



## هم مدیر، هم کارآفرین

او به دنبال راهی بود تا دانش آموزش به درجه‌ای از مهارت و تخصص برسند که بعد از پایان تحصیل دیگر دغدغه شغل و کسب درآمد نداشته باشند: «در هنرستان کار و دانش محمودزاده اسکویی دانش آموزی داشتم در رشته خیاطی. او طرحی ارائه داد که بسیار کاربردی بود. طراحی دستگاه برش مقنعه که با حمایت مدرسه مراحل اجرایی طرح و ساخت دستگاه با همکاری یکی از مهندسی‌هایی که از طرف مامعرفی شده بود، انجام و دستگاه آماده بهره‌برداری شد. آن دانش آموز بعد رفتن به شهرستان محل زندگی‌اش، کارگاه برش و دوخت مقنعه را راه‌اندازی کرد. تا جایی که آن زمان خبر داشتم کارش حسابی گرفته بود و همان اول کاری حدود دوازده نفر برایش کار می‌کردند.»

موفقیت آن دانش آموز جرقه‌ای می‌شود در ذهن مدیر جوان برای راه‌اندازی کارگاه‌های زودبازده و نخستین قدم برای راه‌اندازی باشگاه کارگاه کارآفرینی نوجوانان برای نخستین بار در کشور.



## کارگاه‌هایی در کنار «مرکاپ»

تابلوی نقاشی از شهید ابراهیم هادی روی دیوار اتاق خانم مدیر جا خوش کرده است. کنار تابلوی نقاشی آیینی چوبی کنده کاری شده زیبایی دیده می‌شود و روی میز چند ظرف چوبی منبت کاری شده. اورلی با اشاره به آن‌ها می‌گوید: «این همه هنر و ذوق و استعداد حیث بود پشت درهای هنرستان جا می‌ماند و در گذر زمان به فراموشی سپرده می‌شد. برای همین تصمیم گرفتم برای پرورش آن استعدادها کاری بکنم.»

یکی از اقدامات مهم اورلی، راه‌اندازی باشگاه کارآفرینان نوجوان هنرستانی در سطح هنرستان در کشور بود. او تعریف می‌کند: «بعد از موفقیت دخترانم در برپایی کارگاه تولیدی، به دنبال راهی بودم که دانش آموزان بیشتری از فضاهای استعدادیابی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده کنند.»

او در بررسی هایش به مرکز «مرکاپ» یا همان مرکز رشد و کارآفرینی استان که زیر نظر اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی فعالیت دارد، در محله عصمتیه می‌رسد. اما شهرک شهید رجایی کجا و محله عصمتیه کجا؟! اورلی، آستین همت را بالا زده و بعد از گرفتن تأییدیه از رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵، آن قدر به اداره کار می‌رود و می‌آید تا بالاخره سماجت هایش جواب داده و مهندس بابایی مدیرکل وقت اداره کار استان باراه‌اندازی باشگاه کارآفرینان جوان در هنرستان عترت موافقت می‌کند. او تعریف می‌کند: «۱۶ بهمن ۱۳۹۸ افتتاحیه باشگاه کارآفرینان ما برگزار شد و از هجدهم رسماً کار خودمان را شروع کردیم. این باشگاه تا سوم اسفند به صورت برپایی کمپی در خوابگاه دخترانه رستگارمقدم فعال بود. اما متأسفانه با شیوع بیماری کرونا، ابتدای تعدادی از بچه‌ها و مربی‌ها به ویروس کرونا و محدودیت‌ها برای رعایت فاصله اجتماعی حضور در کارگاه‌ها، مختل و ادامه کار عملاً تعطیل شد. اما با همه این‌ها در سرها استارت باشگاه‌های کارآفرینی زده می‌شود.»

آورده آن اقدام برای این مدیر کارآفرین، گرفتن مجوز راه‌اندازی باشگاه‌های کارآفرینانه در سطح هنرستان‌های کشور برای نخستین بار، انتخاب و آموزش ۶۰ دانش آموز مستعد به صورت پایلوت این طرح، آموزش تعدادی از مربیان برای گرداندن باشگاه و آموزش به دختران جوان به جای مربی‌های مردی که از تهران اعزام می‌شد و در ادامه این مسیر، گرفتن غرفه‌ای در طبقه دوم برج آسمان در «گذر فرهنگ و هنر» بود. غرفه‌ای که دستاوردهای هنری دختران منتخب باشگاه و هنرستان عترت در کنار آثار بزرگان هنر خراسان به نمایش درآمده بود. اورلی تعریف می‌کند: «برنامه‌ها را طوری چیدم که افتتاحیه غرفه هنرستان ما با افتتاحیه گذر فرهنگ و هنر هم زمان باشد. به این ترتیب بود که دستاوردهای دختران من در روز افتتاحیه طبقه فرهنگ و هنر برج شماره ۲ آسمان از سوی شهردار، وزیر فرهنگ و ارشاد و... افتتاح و تقدیر و تشویق شد. رسانه‌ای شدن خبر وجود غرفه دختران نوجوان در گذر فرهنگ و هنر برج آسمان و در میان بزرگان هنر خراسان، دلگرمی مضاعف شد برای ادامه کار و ورودشان به دنیای کسب و کار.»



## اول شدن دختران اورلی

زنگ تفریح که به صدا در می‌آید صدا و همه‌همه دختران جوان فضای سالن و حیاط مدرسه را پر می‌کند. به دنبال چند تکه به در چند دختر جوان با گونه‌ای به گل نشسته و لب‌های خندان وارد شده و خبر اولی گروه آواها و نواهای موسیقی سنتی در مرحله استانی را به خانم مدیر می‌دهند. ارتباط صمیمانه اورلی و دانش‌آموزانش در خور تحسین است. اورلی بعد از تبریک و بوسیدن دختران روبه‌من می‌گوید: «نوجوان، ذهن خلاق دارد و سرشار از انرژی است. اگر در مسیر خودش هدایت شود، بی‌تردید موفقیت و آینده از آن اوست. سال گذشته در هفت رشته دختران من مقام کشوری کسب کردند.»

اورلی در پایان گفت‌وگو تأکید می‌کند: «نوجوان اگر از همان ابتدای انتخاب رشته در مسیر درست و مورد علاقه‌اش قرار بگیرد نه تنها خسته نمی‌شود که درس و تحصیل برایش لذت بخش و نوعی تفریح است. آینده کاری‌اش اگر هم به دانشگاه راه پیدا نکند، تضمین شده است، چون هنر و حرفه‌ای را در دوره تحصیل در کنار درس و مشق مدرسه، آموخته است.»

## مامان اورلی



از خصلت‌های خوب خانم مدیر، مهربانی و دلسوزی نسبت به دانش‌آموزانش است، طوری که همه دانش‌آموزانش را با واژه مهر بانانه «مامان» و «مامان جان» خطاب قرار می‌دهد. طبق گفته‌ها و شنیده‌ها او برای موفقیت دخترانش هر کاری از دستش برآید از انجامش دریغ ندارد. مادر مرحومه بیتا قرچه، یکی از دانش‌آموزان سابق خانم مدیر، از مهربانی‌های مادرانه اورلی چنین روایت می‌کند: «دخترم مشکل جسمی-حرکتی داشت و نفسش هم به دستگاهی بند بود. او دختر هنرمندی بود که عشق نقاشی داشت، اما به خاطر مشکلات جسمی-حرکتی هیچ هنرستانی او را ثبت نام نمی‌کرد.» مادر مرحومه بیتا تعریف می‌کند: «وقتی به هنرستان خانم اورلی رفتم و از شرایط جسمانی و آرزوی دخترم برای ادامه تحصیل گفتم، او بی‌چون و چرا او را ثبت نام کرد و با مهری مادرانه خواست دخترم را به او بسپارم. بعدها فهمیدم او کل کلاس گرافیک را که در طبقه دوم بودند به خاطر دختر من به طبقه همکف منتقل کرده است. در تمام دوره تحصیل هم هوای دخترم را داشت و برای ادامه راه تشویقش می‌کرد. پیشرفت دخترم تا جایی بود که نقاشی هایش در سطح کشوری مقام آورد و این امید به زندگی را در او بیشتر و بیشتر می‌کرد.»

بیتا قرچه با حمایت‌های خانم اورلی و تیم مدرسه موفق به قبولی در دانشگاه هنر می‌شود. در دوره تحصیل بارها آثار هنری او در نمایشگاه دستاوردهای دانش‌آموزان هنرستان عترت به نمایش در می‌آید. به گفته مادرش حتی برای بعضی آثارش با حمایت‌های خانم مدیر مشتری هم پیدا می‌شود. مادر بیتا که دخترش را در اوج روزهای کرونایی از دست داده است از اورلی به عنوان مدیری دلسوز نام می‌برد که با حمایت‌های دلسوزانه و مادرانه دخترش را به آرزویش رساند و نگذاشت آرزویی در دلش بماند.

